

بحث در موضوعات حقوق جزائی

های معمولی ایجاد کنند و بدین ترتیب جز نفوذ قوانین رم در فرانسه هیچ منبع مدونی برای قوانین حقوق در دست نبود و فقط عادات محلی و رویه قضائی که در امور متشابهه - الموضوع بتکرار پیوست اصول قضائیرا تشکیل و قضات هم در منتهی درجه استعداد آنها اعمال میکردند و تا قرن ۱۸ همین ترتیب ادامه داشت .

در اینموقع انقلاب عظیم فلسفی و علمی بظهور پیوست که در حقوق جزا اثرات عمیقی نموده بکلی پایه علوم جنائی را بر مبانی علمی و اصول انسانیت استوار نمود - این جنبش اخلاقی ابتداء بوسیله (منتسکیو وولتر) در فرانسه شروع Des délits et des peines سپس رساله Beccaria ابتداء در ایتالیا و بعد در فرانسه انتشار یافته شکنجه و مجازاتهای خارج از حدود انسانیت را شدیداً انتقاد نمود و متدرجاً در تمام ممالک متمدن اروپا این انقلاب فکری و اخلاقی بترتیب ذیل توسعه یافت .

در فرانسه

- ۱ - کتاب ژان ژاک روسو Contrat Social
- ۲ - قانون ۱۷۸۰ (Question preparatoire) را که بازجر شدیدی توأم بود الفاء نمود ولی (La question préalable à l'exécution) شکنجه قبل از قصاص برای اقرار آوردن مجرم) تا سال ۱۷۸۸ دوام داشت .

آلمان

- ۱ فردریک کبیر شکنجه را الفاء نمود - فرمان ۱۷۷۶
- ۲ ماری تریز که ناظر بالفاء سئوالات بود - ژوزف دو اعدام را جز در جرائم نظامی لغو نمود و در ۱۷۸۶ قانون اصول محاکمات را رسماً منتشر کرد .

نفوذ قوانین حضرت مسیح در مجازات متخلفین از قواعد مذهبی و مجادله بر علیه انتقام شخصی و همیشگی بر علیه عقیده انتقام و قضاوت ربانی (طبق مفهوم ژرمنی آن) کاملاً محسوس میگردد - ولی متدرجاً دو منبع و نظریه فوق در یکدیگر نفوذ کرده و ابتداء در آلمان شروع بایجاد يك سلسله قوانین گردید که از آداب محلی و قوانین ژرمنی قدیم و قوانین عیسوی ترکیب شده بود و همین اصلاح بدوی بود که بعدها مبنای جنبه عمومی قوانین جزائی گردید بوسیله اشاعه عقاید ایتالیائی بتوسط کتب و رساله ها ترمیم و تکمیل شد .

مهمترین آثار این جنبش و سیر ارتقائی قوانین (کارولین است) Constitution Criminall Corolui مجموعه کارولین يك رساله حقوقی نیست بلکه مجموعه کاملی است از کلیه مقررات حقوقی لازم الاجراء که بجز بعضی عادات اجراء مقررات دیگری را اجازه نمیدهد - جامع و مدون این مجموعه هم شخص معینی نیست بلکه يك رشته ترمیم و اصلاحاتی است که در نتیجه تأثیر عقاید ایتالیائی ها و ژرمنها بوجود آمده و نتیجه مستقیم آنها اندکی وحدت و انتظام قوانین بود ولی در فرانسه يك مأخذ صحیح قانونی باین ترتیب یافت نمیشد - متدرجاً عادات انتقام شخصی ابتداء نزد شهرها و بعد بین سکنه قراء و قصبات بر طرف شده و تنبیه و مؤاخذة جزائی در دست Seigneur قرار گرفته بتدریج مجازاتهای نقدی رواج میگردد ولی بدون هیچ ضابطه که حدودی برای آن تعیین نماید بلکه عادات جاریه و رویه قضائی مأخذ تعیین مجازات بود که قضاوت بانهایت استقلال و اقتدار جرائم را تعریف و مجازات را نیز تعیین میکردند ولی در عین حال مجازات جدیدی نمیتوانستند جز مجازات

اعلام نمود. در سال ۱۷۹۱ (Code) جزائی رسماً انتشار یافت و بوسیله مقررات چندی تکمیل و تا سال ۱۸۱۱ کشور فرانسه را اداره میکرد. در این سال اصول محاکمات جزائی ۱۸۰۸ و قانون مجازات عمومی ۱۸۱۰ قوت قانونی گرفت و این دو قانون تا امروز در فرانسه مجری و متبع است. و مبنای فلسفی آن بر عقاید مکتب انتفاعی (Ecole utilitaire) و ناظر بر اصول ذیل میباشد:

بوسیله تهدید مجرم دفع جامعه را در قابل جنایت کاران باید تا مین نمود فقط لزوم و ضرورت مجازات است که آثار شروع و مجاز مینماید مجرم را نه فقط تأدیب و اصلاح بلکه باید شدیداً تنبیه کرد Target در مقدمه آن میگوید «عموماً و خامت جنایت بنسبت خطری است که برای جامعه تولید مینماید» - تریمات آمده این قوانین از ۱۸۳۲ شروع و در تحت تأثیر عقاید مکتب Felectipue که ناظر به تخفیف مجازات و پیش بینی کیفیات مخففه و تفریق بین تکرار جرم و عدم آن و استقرار مجازاتهای نقدی بود بعمل آمد

قانون تفتیش مجازات

Loi Béranger sur le sursi a l'exécution des peines
قوانین فرانسه بعد از انقلاب تأثیر مهمی در مقررات حقوقی سایر ممالک نمودند

آلمان

بعد از کازولین تجزیه (Decentralisation) شروع مینماید ولی انقلاب بزرگ فلسفی منتهی با اصلاحات جزائی و اجراء قانون (Josephin) ۸۸ - ۱۷۸۷ میگردد و در سال ۱۷۹۷ در پروس قانون جزائی (Landrecht) بموقع اجرا گذارده میشود و در نیمه دوم قرن ۱۹ قوانین تازه منتشر می گردد که منابع مهم آن قوانین جزائی فرانسه و قانون ۱۸۱۳ باویر است که این قانون اخیر نیز مأخوذ از قوانین فرانسه و مدیون (Pollerbach) است -

قانون جزائی ۱۸۷۰ که تا امروز در کشور آلمان مجری بود اساساً در قسمتهای شمالی معمول و مأخوذ از همان کد باویر است ولی فعلاً قوانین جزائی آلمان در شرف تغییر اساسی است

سوئیس

الیزابت دوم در ۱۷۶۴ اجازه مقام سلطنت را در اجرای اعدام شرط دانست و ضمناً خودش هیچوقت این اجازه را نمیداد و کاترین هم دستور انتشار قوانین جزائی را داد.

ایتالی

تسکان - اعدام - شکنجه - خال کوبی و غیره در مجموعه جزائی لئوپولد (۱۷۸۶) بکلی منسوخ گردید و این مجموعه از حیث رعایت اصلاح نظریات اخلاقی جدید کامترین کتب حقوقی آندوره است.

اسپانی

یکی از کشور های معدودی که از زمان فیلیپ ۲ دارای مقررات تدوین شده جزائی بود اسپانیا است که این مجموعه شامل فرمان های سلطنتی و دستورات جزائی ماقبل بود. از طرفی این انقلاب - فلسفی منتهی بتدوین کتب نفیسی در امور جزائی گردید و منفکرین بزرگی بوجود آورد که معروفترین آنها در فرانسه (Bastorel) در انگلستان (Bonham) در ایتالی (Romagnosie) در آلمان Fensbch بود.

بالاخره انقلاب کبیر بکمر تبه آمد. دیرین آزادی خواهان جهان را بر آورد و مرامهای ذیل را که کم کم در اثر انقلاب ادبی تدریجی در اذهان عامه رسوخ یافته بود ابراز و عملی کرد

۱ - مساوات در مقابل قانون

۲ - سلب اختیارات تامه قضا

۳ - اعلام و انتشار رسمی اصول محاکمه

۴ - مجازات در حق شخص مجرم با رعایت انسانیت اجرا گردد

قاضی باید دلایل حکم را قید کند - جرائم بر علیه

مذهب حذف شود - تشکیل هیئت منصفه -

فصل سوم

از زمان انقلاب تا عصر حاضر

فرانسه (1 Assamblée nationale) انجمن ملی

اصول اساسی قوانین جزا را مبنی بر حقوق بشر

اتریش

اصول قوانین Josephine با بعضی ترمیم و تحقیقات تا سال ۱۸۰۲ مجری بود ولی بعداً احتیاج اوضاع مقررات جدید کاملاً محسوس گردیده و پیشنهادیکه در ۲۹۰۹ شده بود تا حال مورد بحث و تصویب نرسیده.

هنگری

اهالی هنگری از سال ۱۷۹۱ از زیر بار قانون تزیین خارج شده و قانونیکه فعلاً راجع بامور جنائی و جنحه مجری است در ۱۸۷۸ و قانون راجع بمقررات خلافی در ۱۸۷۹ وضع شده است.

ایتالیا

ایتالیا مهد تاریخی حقوق جزائی است در قرن ۱۶ ایتالیا دارای دو نفر عالم متبحر حقوق جزائی بود (Farinasini و Clarue در قرن ۱۸ و Beccaria و Romagnori و Crenenti) و غیره بنا بر این سرزمین ایتالی برای انتشار عقاید انقلابی فرانسه مهیا و آماده بود و بزودی اثرات انقلاب در قوانین جزائی آن نفوذ یافت و برای اولین دفعه در قوانین ۱۸۱۹ ناپل ظاهر شد و تا سال ۱۸۶۰ تجزیه و اختلاف قوانین جزائی در ایتالیا حکمفرما بود و مخصوصاً موضوع اعدام که Piemonte و Naples طرفدار و تسکان مخالف آن بود مانع وحدت قوانین جزا میشد و همینطور اختلاف مکتب قدیمی Beccaria و مکتب جدیدیکه متمایل بنظریات Lombardo و Garro - Felli بود موجب ۶۸۴ تمرکز قوانین میگردد و بالاخره درین همین اختلاف نظریات در ۱۸۸۹ قانون جزائی جدید که متمایل بعقاید قدماست ظاهر گردید و تاکنون هم مجری است و در موضوع اعدام مهم نظریه تسکان پیشی گرفت.

بلژیک

در هر یک از دو کشور بلژیک و هلند قوانین جزائی ۱۸۱۰ و ۱۸۱۱ فرانسه مجری بود و پس از الحاق و تشکیل ممالک سفلی (N. Has) نیز همین قوانین حکومت

داشت و قتیکه در ۱۸۳۰ بلژیک مجدداً استقلال خود را تحصیل نمود تصمیم باصلاح قوانین جزائی گرفته شد و بالاخره کد ۱۸۶۷ جانشین کد فرانسه گردید - این کد ناظر بمقاید مکتب Eclectique و مبنی بر میانه روی و اعتدال در مجازات است.

هلند

تا زمان لوئی بناپارت قوانین هلند مبنی بر حقوق و عادات ملی بود ولی در ۱۸۱۱ که هلند ضمیمه مملکت فرانسه گردید کد فرانسه در آن مجری گردید و در ۱۸۱۴ نیز که ممالک سفلی تشکیل گشت باز موقتاً کد جزائی فرانسه اجرا میشد تا سال ۱۸۸۶ که قانون جزائی مخصوص هلند مجری گردید این قانون کاملاً ملی و خلی از هر گونه نفوذ و تأثیر قوانین اجنبی است.

لوکر امبورک

در سال ۱۸۱۵ که این ناحیه از فرانسه مجزی و بممالک سفلی پیوست. قانون جزائی فرانسه را با تغییرات مهمی قبول نمود. سال ۱۸۷۹ قانون جدید که مأخذ آن قانون بلژیک است رسماً انتشار یافت.

موناکو

قانون جزائی ۷۵-۱۸۷۴ موناکو مأخوذ از کد جزائی ۱۸۱۱-۱۸۱۰ فرانسه است.

شبه جزیره ایبری

انقلاب و جنبش اساسی که بزودی در سایر کشورها وسعت یافت در این قسمت بطور غیر مستقیم و با نهایت کندی پیش رفته است.

اسپانی

در سال ۱۸۰۵ قوانین جزائی قرن ۱۶ مجدداً طبع و منتشر گردید Nuovissima Recopilation تا اواسط قرن ۱۹ در اسپانی همان قوانین قرون وسطی معمول بود و در ۱۸۲۲ هم که قانون جزائی جدیدی مأخوذ از کد جزائی فرانسه منتشر گردید باز در ۱۸۲۳ منسوخ شد تا بالاخره در ۱۸۴۸ الیزابت ششم کد جزائی فعلی را که منبع آن کد

آن علاوه بر يك سلسله مقررات قبلي و قدیمی كدهای ۱۸۴۲ و ۱۸۵۱ نروژ است.

روسیه

بطوریکه قبلا گفته شد کاترین ۲ دستورات اکتدی راجع بتدوین قانون مجازات صادر نموده ولی این موضوع تا سال ۱۸۳۲ بتعمیق افتاد و همان اصول ظالمانه سابق بکمال بیرحمی در روسیه مجری بود در این سال در ضمن سایر اصلاحات اساسی نیکلامی مجازاتها نیز ملایمتر و بقوانین انسانی نزدیک گردید و بالاخره این اصلاحات در ۱۸۴۵ منجر بقانون جزائی جدیدی که منبع آن همان مقررات ملی سابق بود گردید و باز هم در ۱۸۸۵ این کد اصلاح شد ولی باز این ترمیمات کافی بنظر نمی رسید تا در تحت تأثیر عقاید اروپائی غربی طرح جدیدی در نظر گرفته شد و این طرح در ۲۲ مارس ۱۹۰۳ بصفحه ملوکانه موشح شد. در عرض این قانون قانون مجازات دیگری راجع بجرایم سیاسی وجود دارد (تبعید بسبیری).

از سال ۱۸۸۹ در فنلاند قانون جزائی مخصوص که بر اصول قوانین سوئد و قانون ۱۸۷۱ آلمان مکتبی است بموقع اجراء گذارده شد.

عثمانی

در عثمانی سابق قوانین جزائی از قوانین اسلامی و کد جزای فرانسه و بعضی اصول استبدادی ترکیب شده بود و کد جزائی که اخیرا معمول بود از قوانین فرانسه مأخوذ و در باره عموم اتباع مسلمان عثمانی باستثنای کشور مصر لازم الاجراء بود.

بلغارستان

در بلغار فقط کد جزائی جدید که از ۱۸۹۶ مجری شده است موجود بود.

یونان

از سال ۱۸۳۴ کد جدیدی اجراء شد که منبع مهم آن قوانین باویر است. ناتمام - دکتر آقایان

جزای فرانسه است بموقع اجراء گذارد.

پرتغال

قوانین و احکام ۱۶۰۳ که تقلیدی از قوانین قرن ۱۵ بود تا مدت مدیدی با نهایت شدت و بیرحمی در پرتغال مجری و متبوع بود. در سال ۱۸۲۶ قانون جدیدی La charte منتشر کرد که شکنجه و قطع اعضاء و انواع عذابهای سخت را منسوخ و اصل شخصی بودن مجازات را عملی کرد ولی عمالاتا اواسط قرن ۱۹ همان اطوار و رویه سابق معمول بود در ۱۸۵۲ قوانین جدیدی منتشر گردید ولی این قوانین هم تا مدتی دستخوش تغییرات بسیاری گردید تا بالاخره در سال ۱۸۸۶ قوت قانونی و استحکام گرفت منابع این قانون کد جزای فرانسه و نازیک و اسپانی و ناپل است.

نروژ

تا سال ۱۹۰۴ کد ۱۸۴۲ که از قوانین آلمانی مأخوذ بود اجراء میگردد ولی از سال ۱۸۸۲ کمیسیون مخصوص مأمور مطالعه طرح جدیدی گردید و این طرح در ۱۹۰۰ بتصویب رسید و در ۱۹۰۲ منتشر گردید ولی از سال ۱۹۰۴ رسماً بموقع اجراء گذارده شد این قانون نتیجه مطالعات طولانی و ممتد کمیون مذکور است و بیشتر حقایق علمی که سالهای اخیر در امور جزائی بدست آمده در آن منظور شده.

سوئد

تا سال ۱۸۶۴ فرامین سلطنتی حکمفرما بود در این سال قانون جزائی جدید که هنوز هم مجری است تدوین و مجری شد. صفت مشخصه این قانون اختیار وسیعی است که در تعیین مجازات بقاضی داده شده و بیشتر ناظر بعقاید مکتب Ecclésiastique است.

دانمارک

تا اوایل قرن ۱۹ در دانمارک کد ۱۶۸۳ مجری بود و در اثر انتشار و سرایت عقاید انقلابیون فرانسه کدهای ۱۸۳۳ و ۱۸۴۱ بوجود آمد ولی در سال ۱۸۶۶ انقلاب و جنبش ادبی و معنوی منتهی بیک کد حقیقی گردید که منابع